

بررسی روابط بینامتنی در شعر بیداری اسلامی بحرین*

دکتر فرامرز میرزایی**

زهرا کوچکی نیت***

چکیده

بینامتنی، نظریه‌ای است که به روابط بین متون می‌پردازد. این نظریه را منتقد فرانسوی زولیا کریستوا در آغاز دهه شصت قرن بیستم میلادی در مباحث خویش مطرح کرده است. امروزه این پدیده هنری به عنوان یکی از موضوعات مهم نقد ادبی معاصر با نام «تناس» شناخته می‌شود. طبق گفتمان شعر شیعی، تناس بخش گسترده‌ای از آن را تشکیل می‌دهد و همین امر منجر به خوانش عمیق‌تر شعر شیعه شده است. بررسی شعر معاصر شیعه در جنبش بیداری اسلامی بحرین گواه این حقیقت است. شاعران متعهد و شیعی بحرین از جمله عبدالله القرمزی به همراه خواهرش آیات القرمزی، زکی الیاسری، مجتبی التتان و دیگر شاعران انقلابی از بینامتنی، برای بیان اهداف والای انسانی و اسلامی و به تصویر کشیدن مظلومیت مردم خود در برابر حکومت مستبد و وابسته به نحو بارزی استفاده کرده‌اند. از این‌رو، گونه‌های مختلف بینامتنی در اشعارشان به کار رفته است. گاه به واژگان و مضامین قرآنی و گاه به حوادث و شخصیت‌های قرآنی اشاره می‌کنند. همچنین براساس ماهیت شعر شیعه احادیث شریف نبوی و نهج‌البلاغه و واقعه‌ی عاشورا در

*- تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۲۷

** استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا mirzaeifaramarz@yahoo.com

*** کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا kochaki_zahra@yahoo.com

سروده‌هایشان تجلی یافته است. بررسی کاربرد بینامتنی نشان می‌دهد که بینامتنی نفی جزئی و نفی متوازی از نوع واژگانی و علم (شخصیت) پرکاربردترین نوع بینامتنی در سروده‌های بحرینی به شمار می‌آید و همین امر، بیانگر تعهد دینی و اندیشه‌ی بیدارگرایانه شاعران است. پژوهش حاضر در پی آن است که با روش تحلیلی - توصیفی به تبیین و تشریح گونه‌های مختلف بینامتنی در اشعار شاعران شیعی بحرین بپردازد.

کلید واژه‌ها: قرآن، حدیث، بینامتنی، بیداری اسلامی، شاعران شیعی بحرین.

۱- مقدمه

بررسی آثار ادبی و یافتن ماهیت و ارزش آن، همواره از قدیم رواج داشته است. اما با تحول و پیشرفت علم نقد و گسترش نظرات گوناگون در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی، موجب گردید که تمرکز ناقدان از مؤلف اثر به خود متن معطوف گردد. از این‌رو، بررسی جنبه‌های درونی یک اثر ادبی و مناسبات موجود بین متون و تأثیر و تأثر آنها کانون توجه آنان گردید و سرانجام در این زمینه نظریه‌ای جدید را عرضه نمودند که از آن به عنوان نظریه‌ی بینامتنی یاد می‌شود. این نظریه، در اواخر دهه‌ی شصت قرن بیستم از جانب ژولیا کریستوا^۱ و با الهام از آثار میخائیل باختین^۲ مطرح شد. براساس این نظریه متنی وجود ندارد که متکی به خود بوده، متأثر از متون پیشین و معاصرش نباشد، بلکه هر متنی از طریق ارتباط و تعامل با متون دیگر خلق می‌شود. شفاف‌سازی مفهوم نقدی این نظریه امری ساده نیست و علت آن به تعاریف متعدد ناقدان و ادیبان و ترجمه‌های پیچیده‌ی آن به عربی و فارسی برمی‌گردد از این‌رو، برای آن مفاهیم متعددی ارائه گردید. معادل واژه‌ی بینامتنی در عربی، «التناص» و در زبان انگلیسی، «intertextuality» است. شعر انقلابی بحرین که باید آن را شعر «بیداری اسلامی» نام نهاد، هم‌نوا با خیزش اسلامی مردم این کشور در



^۱. Julia Kristeva

^۲. Mikhail Bakhtin

سال ۲۰۱۱ شکل گرفت و به شایستگی، خواسته‌های مردم مسلمان این کشور را در رویارویی با حاکمیت خودخواه وابسته بازتاب داد و موضوعاتی چون شهادت طلبی، وحدت اسلامی، آرمان فلسطین، آزادی، احیای انسانیت، بیداری ملت‌های خفته و رهایی از استبداد و استکبار مطرح کرد. از این رو شاعران متعهد شیعی برای بازتاب اهمیت این مضامین ارزشمند و جهت تأثیر عمیق آن بر مخاطبان از الفاظ و اصطلاحات قرآنی و نیز احادیث، نهایت بهره را برده‌اند و شعر متعهد خود را با واقعه‌ی عاشورا و احادیث نبوی و نهج‌البلاغه درآمیختند. به نظر می‌رسد بینامتنی در سروده‌هایشان گونه‌های متعددی دارد؛ از جمله بینامتنی قرآنی و انواع آن (علم، موسیقی، مضمون و لفظ)، بینامتنی روایتی (حدیث نبوی و نهج‌البلاغه)، ادبی و تاریخ اسلامی (واقعه‌ی عاشورا) که در اشعارشان نمود آشکاری دارد.

در این پژوهش برآنیم با بررسی اشعار شاعران متعهد شیعه در بحرین بتوانیم با ادبیات و جنبش بحرین بهتر آشنا شویم، لذا در این راستا پرسش‌هایی مطرح شده که به قرار زیر است:

- شاعران برای انتقاد از شرایط نابسامان موجود در جامعه‌ی خودبیشتر از چه آرایه ادبی استفاده کرده‌اند؟

- بیشترین گونه ارتباطی شاعران با میراث اسلامی، از چه نوع بینامتنی است؟ روشی که در این تحقیق پیش روی نگارنده بوده، روش توصیفی-تحلیلی است. با رجوع به منابع کتابخانه‌ای، مانند کتاب، مجله، روزنامه، مقالات و منابع اینترنتی، داده‌های پژوهشی استخراج و تجزیه و تحلیل گردیده است.

۲- پیشینه‌ی تحقیق

«بررسی روابط بینامتنی در شعر بیداری اسلامی بحرین» موضوعی جدید است و در پژوهش‌هایی که انجام شده، صرفاً شرایط سیاسی و اجتماعی رخدادهای بحرین



مدنظر بوده است، از جمله این پژوهش‌ها: «نقش شیعه در بیداری اسلامی» نوشته حسین تربتی در سال (۱۴۳۳) نشریه فقه و اصول «مبلغان» و «بیداری اسلامی و تغییر رژیم‌های عربی» نوشته‌ی علی آدمی و مهدی یزدان پناه و عادل جهان خواه (فصلنامه مطالعات راهبردی) است. همچنین می‌توان به «مقالات برگزیده همایش بیداری اسلامی» وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی که در سال ۱۳۹۱ دبیرخانه همایش نظریه بیداری اسلامی آن را چاپ کرده است، اشاره کرد. از پژوهش‌هایی که در حوزه‌ی هنری و ادبیات انجام شده، می‌توان به پایان‌نامه‌ی «بررسی ویژگی‌های زبانی و معنایی شعر طنز انقلاب‌های عربی در سال ۲۰۱۱ (بررسی موردی مصر و بحرین)» نوشته‌ی زهرا کوچکی نیت با راهنمایی فرامرز میرزایی، در دانشگاه بوعلی سینا اشاره کرد. پژوهشگر در بخشی از پایان‌نامه‌ی خود به بررسی روابط بینامتنی در شعر شاعران بحرین و مصر پرداخته است. همچنین در مقاله‌ای با عنوان «بازتاب گفتمان انقلاب اسلامی ایران در شعر بیداری اسلامی بحرین» نوشته‌ی فرامرز میرزایی و صدیقه زودرنج و زهرا کوچکی نیت که در پژوهشنامه انقلاب اسلامی دانشگاه بوعلی سینا همدان در سال ۱۳۹۲ چاپ شده، به بررسی نقش و تأثیر انقلاب اسلامی ایران در بیداری ملل اسلامی به خصوص کشور شیعه نشین بحرین پرداخته شده است.

۳- ادبیات شیعه و بیداری اسلامی

ادبیات شیعه، ادبیاتی متعهد و دارای رسالت است که در همه‌ی دوره‌ها دارای موضوعات و ساختارهای گوناگون بوده است. ویژگی مهم و اصلی شعر شیعه در «تعهد» نهفته است. شعری که درون‌مایه آن دین، ارزش‌های اسلامی و انسانی و دغدغه‌های واقعی نسبت به جامعه و مردم است. چرا که شاعر در متن حوادث زمانه

حضور داشته و به جانبداری از حق و حقیقت و طرد و تحقیر باطل و ناراستی موضع می‌گیرد. بنابراین به عنوان یکی از شاخه‌های پرریار ادب اسلامی به شمار می‌رود. (رحمانی، ۱۳۷۵: ۱) در واقع شاعر متعهد شیعی «شعر سرایی را برای تفنن و سرگرمی نمی‌خواهد، او متعهد است و ندای وجدان عصر خود او، گفتار را با کردار همراه کرده و با تدلیس و تزویر و نیرنگ به نبرد می‌پردازد. در شعر شاعر متعهد، اندیشه موج می‌زند و شاعر از تصورات و خیالات واهی بیزار است. وی برای آگاهی انسان‌ها تلاش می‌کند و می‌کوشد تا انسان‌ها را از ورطه‌ی جهل و نادانی رهایی بخشد، تا وظیفه‌ای که بر عهده دارد، ادا نماید». (علوی مقدم، ۱۳۸۳: ۱۴)

ادبیات شیعه کارکرد بصیرت‌افزایی و معرفت‌زایی دارد و همین امر منجر به هوشیاری و بیداری مسلمانان می‌شود، چراکه رهایی از استبداد و استعمار، دستیابی به کرامت انسانی، استقلال سیاسی، اقتصادی، فکری و پدیدار ساختن هویت اسلامی در تمامی عرصه‌های زندگی، یک نوع بیداری اسلامی تلقی می‌شود. (روحانی، ج ۱۹: ۲)

بنابراین، ادبیات شیعه ریشه عمیق و تاریخی با نهضت بیداری اسلامی دارد و می‌توان آن را به عنوان اثرگذارترین ابزار دانست که موجب تداوم پایداری و بیداری اذهان مبارزان حق طلب در برابر استبداد و استکبار می‌شود.

۴- نظریه بینامتنی

اصطلاح بینامتنی در اواخر سده‌ی شصت قرن بیستم میلادی پدیدار شد. ژولیا کریستوا نخستین کسی بود که از پژوهش‌های میخائیل باختین درباره‌ی آثار داستایوفسکی، آن را طرح کرد. (گراهام، ۱۳۸۰: ۱۹-۲۰) از نظر کریستوا «هر متن همچون معرفی از نقل قول‌ها ساخته می‌شود. هر متنی به منزله‌ی جذب و

دگرگون‌سازی متنی دیگر است» (کریستوا، ۱۳۸۱: ۴۴) وی بینامتنی را فضایی در نظر گرفته است که در آن متون باهم برخورد می‌کند و «یک متن، جایگشتی از متون و بینامتنی در فضای یک متن مفروض است که در آن گفته‌های متعدد اخذ شده از دیگر متون با هم مصادف می‌شود و یکدیگر را خنثی می‌کند» (میرزایی، ۱۳۸۸: ۳۰۳) در واقع، در بینامتنی عناصر سازنده‌ی متن و رابطه بین آن‌ها بررسی می‌شود و رابطه‌ی بین اجزای تشکیل دهنده‌ی متن، به متن یا متون دیگر پیشین یا معاصر خود پیوند می‌خورد. مترجمان معاصر عرب هنوز به ترجمه‌ی واحدی برای اصطلاح بینامتنیت دست نیافته برخی آن را «التناس» عده‌ای «التناسیة» و گروهی «النصوصیة» و گروهی نیز «تداخل النصوص» نامیده‌اند. (عزام، ۲۰۰۱: ۴۱) با وجود همه‌ی این نظرات متعدد، اصطلاح «تناس» بیش از دیگر اصطلاحات رواج یافته است. اما در نقد قدیم عربی اصطلاحات فراوانی را می‌توان یافت که به اصطلاح بینامتنیت بسیار نزدیک بوده‌اند. از آن جمله در عرصه‌ی بلاغت می‌توان از تضمین، تلمیح، اشاره، اقتباس و امثال آن و در زمینه‌ی نقد ادبی از مناقضات، سراقات و معارضات و ... نام برد. (همان: ۴۲) از بین مفاهیم ذکر شده به نظر می‌رسد معروفترین و قدیمی‌ترین آن «اقتباس»^۱ است. اقتباس به مفهوم عربی قدیم به گونه‌ای روشن با اصطلاح بینامتنی (التناس) برابری می‌کند، اما هریک از این دو اصطلاح بیانگر عصر خود و پیشرفت ادبی و نقدی آن است. (حلبی، ۲۰۰۷: ۴۸) این نظریه در نقد جدید با مباحث فوق کاملاً متفاومت است، «چراکه در این‌گونه مباحث بیشتر جنبه منفی آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گرفت، در حالی که در نظریه بینامتنی، جنبه‌های مثبت آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که براساس آن، فهم متون

^۱ کاربرد عبارتی از قرآن کریم یا حدیث بدون اشاره به آن در اثر ادبی. (الهامی، ۱۳۸۷: ۴۱۴-۴۱۹)

بهرتر و دقیق‌تر خواهد شد؛ به این معنی که با پژوهش‌های بینامتنی بهتر و دقیق‌تر می‌توان از متون بهره برد». (قائمی، ۱۳۸۷: ۱۵۸)

مهمترین عامل ایجاد روابط بینامتنی همان رابطه‌ی میان دو متن است که وجود این رابطه‌ها سبب معناداربودن یک متن می‌شود و یک متن جدید را زاییده‌ی متون قدیم یا معاصر آن متن به شمار می‌آورد. (مختاری و ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۵۷) این رابطه‌ها در بررسی روابط بینامتنی میان متن حاضر و متن غائب، بر اساس یکی از موارد نفی جزئی (اجترار)، نفی متوازی (امتصاص) و نفی کلی (حوار) تبیین می‌گردد. (همان) با بررسی روابط بینامتنی متن غایب و حاضر، می‌توان نوع روابط به کار رفته را بررسی نمود.

۵- بررسی بینامتنی در شعر شاعران شیعی بحرین

با بررسی شعر شاعران متعهد شیعی بحرین از جمله آیات القرمزی به همراه برادرش عبدالله القرمزی، زکی الیاسری، شیخ احمد الدر العاملی، مجتبی التتانو دیگر شاعران انقلابی می‌توان گونه‌های بینامتنیت را به شرح زیر برشمرد:

۵-۱- بینامتنی قرآنی

قرآن کریم اثرگذارترین متنی است که شاعران با آن به عنوان یک میراث غنی ادبی و دینی، تعامل داشته و از آن الهام گرفته‌اند. بینامتنی قرآنی «پدیده‌ای است که ادیب، متن قرآنی را اقتباس کرده و آن را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم می‌آورد تا از این طریق اشاره به بخشی از آیه یا داستان قرآنی داشته باشد و آن را در متن خود وارد کند». (الجعافرة، ۲۰۰۳: ۱۹) بنابراین تعریف، به کارگیری و کاربرد متن قرآنی در



اشعار شعرا، به گونه‌های مختلف کاربرد واژگان، ترکیب و یا معانی آیات، بینامتنی موسیقی و علم دیده می‌شود.

۵-۱-۱- بینامتنی لفظی: در این نوع بینامتنی، الفاظی از متن غایب در متن حاضر ذکر می‌شود و این الفاظ به کار رفته در متن حاضر ممکن است یک کلمه یا بیش تر باشد که آشکارا قابل درک و فهم است. (مختاری و ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۵۸)

«خَلِيفِيوْنَ مِنْ خَلْفِ الْحُدُوْدِ اَتَوْا اِلَى الْبَحْرِيْنَ كَي يَفْنُوْا اَهْلِيْهَا
سِيَّاسَتُهُمْ كَمَا التَّارِيْخُ شَاهِدُهَا عَذَابَاتٍ بِحَاضِرِهَا وَمَاضِيْهَا
يَسُوْمُوْنَ الْمَلَا سُوْءَ الْعَذَابِ وَلَا قُوَّةَ لِيَوْمِ الْفِتْرِ فَتَرْدُعُهُمْ وَتُنْجِيْهَا»
(زکی الیاسری، دیوان)

«آل خلیفه از پشت مرزها به بحرین آمدند/ تا اهالی آن را به هلاکت برسانند/ سیاست آن‌ها همان طور که تاریخ دیده است/ از گذشته تا حال، شکنجه‌هایی است که علیه مردم بحرین اجرا می‌شود/ آنان بدترین ظلم و شکنجه را بر مردم می‌کنند/ و هیچ قانونی وجود ندارد تا آن‌ها را از این اعمالشان بازدارد و یا مردم بحرین را از آنها نجات دهد».

شاعر در بیت سوم در عبارت: «یسومونَ المَلا سُوْءَ الْعَذَابِ» ارتباطی آگاهانه با آیه ۴۹ سوره بقره ایجاد نموده است:

«وَ اِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُوْمُوْنَكُمْ سُوْءَ الْعَذَابِ يَذَّبِحُوْنَ اَبْنَاءَكُمْ وَ يَسْتَحْيُوْنَ نِسَاءَكُمْ وَ فِيْ ذٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ عَظِيْمٌ». (بقره/ ۴۹)

وی به خوبی توانسته با استفاده از تعامل بینامتنی، حضور عمال رژیم و حکومت فرعون وار آنان بر سرزمینشان و اعمال انواع شکنجه‌ها در حق مسلمانان بحرین را بیان کند. رابطه متن حاضر با متن غایب از نوع نفی جزئی است. همچنین شاعر در

قصیده‌ای دیگر با عنوان «رسالة الى النافخين في ابواق الحكومة»، با طنزی تلخ، تحریف‌کنندگان انقلاب بحرین را مورد هجو قرار می‌دهد:

«فالمصاحف إذا باع الهوى صار حمالاً لأسفار الحمير
والمصاحف إذا خان الوفا بعهد الصدق أضحى كالأسيير
عند من أعطاه أموالاً بها يشترى في النار مثواه الأخرير
كل شيء قاله دون هدى زاد في آفامه حمله بعير»
(زکی الیاسری، دیوان)

«آنگاه که رسانه‌ها تعهد به وطن خود را فروختند از این کار چیزی عایدشان نشد جز حمل بار استران دیگر / روزنامه‌نگاری که بر عهد و وفای خود خیانت می‌کند قطعاً اسیر حاکم خود خواهد شد / کسی که در قبال این کار زشت، پول و ثروت دریافت می‌کند، در واقع با همان پول جایگاه ابدی‌اش را در آتش دوزخ خریداری می‌کند / هر سخن دروغینی که می‌گوید به اندازه بار شتر بر گناهایش افزوده می‌شود».



شاعر در متن حاضر در بیت «فالمصاحف إذا باع الهوى صار حمالاً لأسفار الحمير» با آیه ۵ سوره‌ی جمعه: «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» ارتباط برقرار نموده، رسانه‌های داخلی را خطاب قرار می‌دهد. آن‌ها همانند رسانه‌های غربی، انقلاب بحرین را تحریف می‌کنند و در قبال بهای ناچیز وطن خود را می‌فروشند. شاعر این کوه اندیشان را همچون آیه‌ی قرآن کریم به درازگوشی تشبیه نموده است که فقط اختیار حمل کتاب‌ها را دارند و غافل از حقایق انقلاب‌اند. و یا در قصیده‌ی دیگر آیات القرمزی:

«بِأَيْتِي! مَصْلُوبَةٌ، مَسْمُومَةٌ وَالطَّيْرُ تَأْكُلُنِي، لِعَظْمِ بِلَانِي»

أنا لستُ يائسةً، فروحي حُرَّةٌ لكنَّ جسمي لا يطيقُ عنائي»

(آیات القرزی، دیوان)

«ای کاش من به دارآویخته شده بودم، فراموش می‌شدم و پرندگان مرا می‌خوردند، به خاطر شدت مصیبتی که بر سرم آوردند/ اما من ناامید نیستم. روح من آزاد است، در حالی که جسم ضعیفم بیش از این تحمل این شکنجه‌ها را ندارد.»

در این حبسیه شاعر به اتفاقات قرآنی و حوادث تاریخی استناد می‌کند. وی با کاربرد مفردات قرآنی از قبیل «منسیة»، با بخشی از آیه ۲۳ سوره مریم، «قَالَتْ يَلَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَّسِيًّا»، تعاملی ایجاد نموده است. این آیه یادآور حالات روحی حضرت مریم(س) پیش از تولد حضرت عیسی (ع) به امر خدا است. حضرت مریم(س) از بیم سرزنش مردم در مکانی دور خلوت گزیده بود و به همین علت از خداوند می‌خواست که کاش مرده بود و از یادها فراموش می‌شد، اما در شعر، بیان چنین حالی از جانب شاعری بیست ساله است که در حقش جفا شده و متحمل ناراحتی‌ها و فشارهای روحی گشته است.

۵-۲- بینامتنی مضمونی: شاعران بحرینی آرمان‌ها و آموزه‌های شاخص شیعه، مانند امامت، غدیر، جهاد و شهادت را به گونه‌ای مطرح کرده‌اند که آن را به زمان حال تعمیم داده‌اند. در ابیات زیر شاعر شیخ احمد الدرالعاملی چنین بیان می‌کند:

«ما السرُّ؟ إنَّ السرَّ آلُ محمدٍ ثَمَّنُ الولاءِ لهم أذىً وتشردُّ
ثَمَّنُ الولاءِ بأنَّ تضامَ لأنَّ في هَجَّ التَّشيعِ شُعلةً لا تُخمدُ
هِيَ شُعلةٌ مِن كربلاءَ وقودُها تَبقى على طولِ المدى تتوقدُ»

(الدرالعاملی، ۲۰۱۱)

«رمز و راز قضیه چیست؟ همان خاندان محمدی(ص) است که بهای دوستی آنان، آزار و آوارگی است! / بهای دوستی آنان، مظلومیت است، زیرا راه شیعه،



شعله‌ای خاموش نشدنی می‌باشد / شعله‌ای که هیزم آن کربلا است و تا ابد، شعله‌ور باقی خواهد ماند».

موضوع مورد بحث آیه شریفه «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» بخشی از آیه ۲۳ سوره‌ی شوری است که شاعر در بیت اول: «ما السرُّ؟ إِنَّ السَّرَّ آلُ مُحَمَّدٍ ... ثَمَنُ الْوَلَاءِ لَهُمْ أَذَى وَتَشَرُّدٌ» با این عبارت قرآنی ارتباط برقرار نموده است. در این آیه‌ی شریفه پیامبر اسلام از مردم درخواست مزد مادی نداشت، ولی از طرف خداوند مأمور شد تا مزد معنوی (مودت قریبی) را از آن‌ها تقاضا کند که آن دوستی و محبت با خاندان و پیروان خاندان پیامبر(ص) است. از این رو، شاعر با اشاره به واقعه کربلا، راز آوارگی را وفاداری به اهل بیت پیامبر(ص) و پیروان آن حضرت می‌داند، روشی که مانند شعله‌ی برافروخته، راه را روشن می‌نماید.

۵-۳- بینامتنی علم: ذکر نام شخصیت‌های قرآنی و اسلامی، از دیگر ویژگی‌های

بارز سروده‌های بحرینی است. در این میان اسامی پیامبران الهی همچون پیامبر اکرم (ص)، مریم (س)، یوسف (ع)، یونس (ع) و شخصیت‌های اسلامی چون امام حسین (ع)، حضرت ابوالفضل (ع)، حضرت زینب و ... تجلی دارد.

آیات القرمزی در زندان‌نامه‌ی خود «میدان لؤلؤء زنزانتی» که حس وطن دوستی‌اش باعث سرایش قصیده شده است، به خوبی از اسامی شخصیت‌های اسلامی بهره برده است:

«ما السرُّ؟ إِنَّ السَّرَّ آلُ مُحَمَّدٍ	ثَمَنُ الْوَلَاءِ لَهُمْ أَذَى وَتَشَرُّدٌ
ثَمَنُ الْوَلَاءِ بِأَنْ تُضَامَ لِأَنَّ فِي	هُجَّجَ التَّشْيِيعِ شُعْلَةً لَا تُخَمِّدُ
هِيَ شُعْلَةٌ مِنْ كَرْبَلَاءَ وَوُودَهَا	تَبْقَى عَلَى طُولِ الْمَدَى تَتَوَقَّدُ»
«لَتَسْأَلُوا عَنْ وَقْتِ نَظْمِ قَصِيدِي	فَالشَّمْسُ حَلَمٌ وَالصَّبَاحُ مَسَانِي
بِأَيُّوسُفَ الصَّادِقِ فَسَّرَ مِحْنِي	أُمُّ السَّيَاطِ وَصَعَقَةُ الْأَعْضَاءِ



أُنْسَى.. وَرُعِبَ.. وَالْعَذَابُ.. وَوَحِدِي زَنَزَاتِي كَأَجْسَبٍ بِالظُّلْمِ—
(آیات القرمزی، حبسیه)

«از زمان سرایش شعرم سوال نکنید چرا که دیدن خورشید برای من تنها یک رویا گشته و روزم مثل شب شده است / ای یوسف صدیق! تو درد و رنج مرا در ضربه‌ی شلاق و شوک وارد شده به اعضايم تعبیر کن / زن، وحشت، عذاب، تنهایی و زندانی که مانند چاه عمیق، تاریک است.»

شاعر از شخصیت قرآنی حضرت یوسف (ع) که مظهر و نماد پاکدامنی است، به شکل نمادین استفاده نموده است. این شعر یادآور داستان یوسف است که برادرانش او را در چاهی عمیق و تاریک انداخته‌اند، با این تفاوت که در چاه یوسف خبری از شکنجه و ضربه‌های شلاق نبود. پس شاعر آگاهانه از بینامتنی متوازی همراه با کمی تغییر بهره‌مند شده است.

در اسلام، حضرت ابا عبدالله الحسین (ع)، نماد مقاومت و پایداری در مقابل ظلم، کفر، شرک و باطل است و از برجسته‌ترین نمادهای دینی است که از مبارزه‌ای عدالت خواهانه در هزار و چند صد سال پیش سخن می‌گوید. شاعر زکی الیاسری، ملت بحرین را که مظلومانه و به ناحق همچون «سبط طه» به خاک و خون آغشته شده‌اند، این گونه توصیف می‌کند:

«يا أيها الشعبُ السليب الغريب كسبط طه في الطوف تريب
النصرُ لا يقبلُ غيرَ الدما ثَمناً مع الدمع الذروف السكوب
كن كالجبالِ الراسيات إذا هبت رياحُ الشر حين الخطوب»

(زکی الیاسری، دیوان)

«ای ملت چپاول شده و غریبه مانند فرزند طه (امام حسین علیه السلام) به خاک و خون آغشته شدی / پیروزی هیچ بهایی غیر از خون را قبول نمی‌کند؛ خونی که

همراه با اشک‌ریزان و جاری باشد. / مانند کوه‌های سر به فلک کشیده مقاوم باش،
آن هنگام که بادهای شرور در وقوع مصیبت‌ها وزد».

شاعر در این زمینه همانند سبط طه، طلب کمال و آزادگی را بر زندگی با ذلت ترجیح
می‌دهد و تا پایان مبارزه همانند کوه در مقابل وزش بادهای شرور ایستادگی می‌کند.

یکی از مضامین مهم اشعار آیات القرمزی، توجه به هویت دینی و الگو گرفتن از
غیرت و تعصب شخصیت‌های بزرگ عاشورا است:

«إِن تَكُونُوا دُونَ أَدْنَى غَيْرَةٍ فَلَنَا مِنْ زَيْنَبٍ عَزَّةُ ذَاتِ
وَمِنَ الْعَبَّاسِ عَزْمٌ صَارِحٌ بِالْحَمِيَّاتِ وَحِفْظُ الْخَفِيَّاتِ»
(دیوان آیات القرمزی)

«اگر در شما ذره‌ای غیرت نیست، در ما عزتی زینب گونه است / عزم و اراده ما نیز
برگرفته از اراده آهنین عباس بن علی در حمایت از اهل حرم (زنان و کودکان) است».

شاعر با یادکردن اسوه‌های صبر و دلاوری تاریخ چون حضرت زینب (س) و
ابوالفضل العباس (ع)، روح مقاومت را در جان مردم بحرین می‌دمد که این خود
نشان از اثرگذاری فراوان متن غایب (حادثه‌ی عاشورا) در متن حاضر است. زکی
الیاسری در ابیاتی از شخصیت‌های منفور تاریخ که به نوعی بازتاب شخصیت‌های
حکومتی و بیگانه در بحرین است، چنین سخن گفته است:

«نَحْنُ الَّذِينَ صَافَانَا لَا يَعْكُرُهُ بِالطَائِفِيَّةِ فِرْعَوْنًا وَقَارُونَ—
نَحْنُ الَّذِينَ دَحَرْنَا دِرْعَ اِبْرَهَةَ وَ مَا اسْتَطَاعَ لِقَمْعِ الشَّعْبِ قَانُونُهُ
نَحْنُ الَّذِينَ جَلَّالُ اللَّهِ يَنْصُرُنَا فَكُلُّ فَعَالٍ لَنَا اللَّهُ مَضْمُونُهُ»
(زکی الیاسری، دیوان)

«ما کسانی هستیم که صفا و صمیمیت ما را (شیعه و سنی) فتنه‌گری‌های فرعون
و قارون گل آلود نمی‌کند / ما کسانی هستیم که سلاح ابرهه را درهم کوبیدیم / و

قانونش نتوانست ملت را درهم بکوبد/ ما کسانی هستیم که خدای متعال یاریگر ماست /چرا که همه‌ی کارهای ما فقط از آن خداوند است».

شاعر با به کاربردن اسم‌های قارون، فرعون و ابرهه که خود بر حکایتی دلالت دارد، به تعامل با قرآن پرداخته است. وی با ذکر همین شخصیت‌های منفی، خواننده را به متن غایب سوق داده است. در این عملیات، فتنه‌گران داخلی و خارجی بحرین را فرعون و قارونی تلقی می‌کند. شاعر با استفاده از نفی جزئی این تعامل را به خوبی نشان می‌دهد، زیرا شاعر متن غایب را به طور مستقیم و در همان معنی به کار برده است.

از جمله قصایدی که مزین به انواع بینامتنی قرآنی شده قصیده‌ی «ویل للمطففین» عبدالله القرمزی است. این شاعر بحرینی از ابتدای قصیده تا پایان آن از آیات قرآنی استفاده کرده است و با استفاده از تنوع متن غایب (قرآن) و تعدد معانی آن، شعر خود را پربار کرده و معانی متعددی را به مخاطب عرضه داشته است:

«ویل للمطففین»

«طَفَّفَ كَمَا شِئْتَ وَاقْلَبْ فِي الْمَوَازِينِ	فَإِنَّ يَوْمَكَ بَيْنَ الْكَافِ وَالنَّوْنِ
يَا سَارِقًا كُلَّ مَاعُونٍ تَمُوتُ هُنَا	بِأَنَّ تَرَى الشَّعْبَ يَبْقَى دُونَ مَاعُونِ
مَا كُنْتَ تَخْشَى سِهَامَ اللَّيْلِ تَمْلَأُهَا	إِلَيْكَ أَقْدَاخُ زَقُومٍ وَغَسَلِينَ
أَنَا الَّذِي شَدَّ مِنْ أَحْبَالِ سُورَتِهِ	يَوْمَ الْوَلَادَةِ قَوْسًا لِلْفِرَاعِينِ
أَشْكَلُ الصَّدْرِ مِقْلَاعًا وَتَقْدِفِي	حَمِيَّتِي فِي الرَّدَى ذُودًا عَنِ الْبَدِينِ
أَيُّتَ اللَّيْلِ الْمُأْمُونِ مَأْمَنُهُ	وَكَدَّتْ تَحْذِقُهُ مِنْ سُورَةِ التَّيْنِ
الْأَرْضُ تَنْطِقُ إِصْرَارًا وَحَوْتِكَ يَا	هَذَا بَعِيدٌ عَلَيَّ تَخْوِيفِ ذِي النَّوْنِ»

(عبدالله القرمزی، دیوان)

«هر قدر که می‌خواهی در حق ما کم بگذار و ترازوی عدل را وارونه کن / چرا که روزگار تو فقط دو روز است به فاصله‌ی بین کاف و نون / ای غارتگر! که تمام



ضروریات زندگی مردم را مخفیانه به چپاول می‌بری / تو در این مکان می‌میری از این که مردم را بدون درخواست‌های اساسی‌شان ببینی / تو از تیرهای شب هراسی نداری در حالی که برای تو کاسه‌هایی از آب تلخ زقوم و خونابه چرکین پر می‌کند / من کسی هستم که از روز تولدم از بند نافم کمانی را برای فرعونیان بستم / در سینه‌ام منجنیقی می‌سازم و غیرت و تعصبم مرا در دفاع از دین و ایمانم به کام مرگ می‌اندازد / امنیت را برای سرزمین امن محروم کردی و خواستی این کار را از سوره‌ی تین بیاموزی / زمین [بحرین] ما را به پایداری وا می‌دارد و ماهی تو (عذاب) در ترساندن ذی‌النون دور است».

برجسته‌ترین شکل تعامل متن حاضر با متن غایب در این قصیده، عنوان قصیده است. البته شاعر در این تعامل فقط به عنوان بسنده نکرده است بلکه تا پایان قصیده، بهره‌گیری از کلام زیبای قرآنی ادامه دارد. عنوان قصیده برگرفته از نام سوره «المطففین» و نام سوره هم برگرفته از آیه اول به معنای «وای بر کم‌فروشان» است. این سوره‌ی مبارکه با هشدار به کم‌فروشان آغاز می‌شود. «مسأله کم‌فروشی به عقیده بعضی از مفسران معنی وسیعی دارد که هرگونه کم و کسر گزاردن در کار و انجام وظائف فردی و اجتماعی و الهی را شامل می‌شود». (مکارم شیرازی، ج: ۲۶: ۲۴۰) بنابراین تفسیر، کم‌فروشی هر صنفی را متناسب با کار و وظیفه‌ی خود و به نسبت کوتاهی و قصورشان شامل می‌شود. شاعر تناص را در عبارت «طَفَّفَ كَمَا شئتَ واقلبُ فی الموازین» در تعامل با سوره «ویل للمطففین» به کار برده است. شاعر در این بینامتنی بین متن غایب و متن حاضر تناقضی ایجاد نموده، در متن غایب، خداوند متعال قبل از هر چیز کم‌فروشان را مورد تهدید شدید قرار داده و آن‌ها را از این عمل باز نموده است، اما در متن حاضر شاعر به استهزا سران حاکم را به



کم‌فروشی تشویق می‌کند. شاعر در این تعامل آگاهانه برای تأثیر بیشتر از بالاترین نوع تناص، یعنی تناص نفی کل، استفاده نموده چرا که عکس معنای متن پنهان را بیان نموده است.

همچنین در تعاملی دیگر در همین قصیده، شاعر از بینامتنی لفظی با کاربرد واژگانی همچون «زقوم و غسلین» استفاده کرده است. قرآن کریم در بیان غذای دوزخیان از تعبیری مانند «زقوم» (گیاهی بسیار بد طعم و بدبو که ظاهری هولناک دارد) «لَاكُلُونَ مِنْ شَجَرٍ مُنْزَقُومٍ» (واقعه/۵۲) و «غسلین» (خونابه بدن دوزخیان) «وَلَا طَعَامًا إِلَّا مَغْسَلِينَ» (الحاقه/۳۶) یاد می‌کند. شاعر به استهزا طبق‌هایی از زقوم و غسلین را که خوراک اهل جهنم است، به خوراک سران حاکم نسبت داده است. همچنین کاربرد نام بعضی از سوره‌های قرآن کریم (سوره تین و ماعون) در لابه‌لای قصیده، از دیگر اسلوب‌های فنی شاعر است. او با ذکر لفظ قرآنی «ماعون» به بیان حقوق و نیازهای اولیه ملت بحرین از جمله حق استقلال، آزادی، کرامت و ... می‌پردازد که دولت نسبت به نیازهای ضروری آنان بی‌تفاوت است. در ادامه شاعر با استفاده از تناص شخصیت با ذکر لفظ «فراعین» که خود نشان‌دهنده‌ی نوع دیگری از تعامل است، به سران حکومتی به عنوان نماد حکومت‌های طاغی، اشاره می‌کند. در بینامتنی دیگر، شاعر لفظ «ذالنون» را می‌آورد که اشاره به داستان حضرت یونس(ع) ملقب به ذالنون دارد. مردم بحرین هیچ ترسی از عذاب و شکنجه‌های اعمال شده بر آن‌ها در یک محیطی که فضای آن بسته و تاریک است، ندارند بلکه همچون یونس خود را در دریای مصیبت می‌اندازند و متحمل عذاب در فضای تیره و تاریک شکم ماهی می‌شوند.

شاعر از تناس مضمون هم بهره برده است و عبارت «أشكُّ الصَّدرَ مقلعاً و تقذفنی ... حمیتی فی الردی ذوداً عن الدین»، اشاره بسته شدن حضرت ابراهیم به منجنیق در استدلال به توحید و یکتایی خداوند دارد. شاعر خود را جای حضرت ابراهیم قرار می‌دهد که منجنیقِ درونش او را در دفاع از دین و ایمانش به کام مرگ پرتاب می‌کند؛ با این تفاوت که در قصه حضرت ابراهیم آتش به گلستان تبدیل می‌شود و دیگر خبری از حرارت آتش نیست اما در بحرین آتش مرگ همچنان ادامه دارد.

شاعر در بیت: «أبیتَ للبلدِ المأمونِ مأمناً... وكدتَ تحذقه من سورة التین» با استفاده از بالاترین درجه بینامتنی (نفی حوار) در تعاملی آگاهانه، مفارقه‌ای بین متن غائب (سوره تین) و متن حاضر (شعر) ایجاد کرده است. خداوند در متن غائب امن و امنیت را بر شهر مقدس کعبه فراهم آورده، اما متن حاضر برعکس متن غائب است؛ یعنی سران بحرین نه تنها امنیت بر ساکنان آن به ارمغان نیاورده‌اند بلکه امنیت را بر ساکنان اصلی محروم کرده‌اند. در واقع شاعر این عمل آنان را، در عین حفظ قداست آیه قرآنی، با تناقضی تمسخرآمیز که آن را با مهارت از سوره مبارکه تین «وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» (تین/۳) آموخته‌اند، نشان می‌دهد. از این رو نوع تناس در این قسمت، تناس نفی حوار می‌باشد.

در پایان قصیده، شاعر با استفاده از موسیقی و شکل خطاب و تکرار الفاظ مطابق با موسیقی سوره «ماعون» و «مطففین» و «التین»، خواننده را در فضای قرآنی قرار می‌دهد و در خلال آن معانی متعددی را القا می‌کند که تمام این تعاملات آگاهانه بوده‌اند. وی از طریق هماهنگ کردن قافیه شعری خود با این سوره‌ها، از تناس موسیقایی نیز استفاده کرده است. استفاده‌ی وی از کلمات «ماعون، غسلین، فراعین، الدین، التین و النون» نشان دهنده‌ی این نوع تعامل موسیقایی است.

۶- بینامتنی روایتی

در جای جای سروده‌های شعرای بحرین، روایت‌های متعددی از پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) به چشم می‌خورد که دلالت بر حال شیعیان بحرین می‌کند. در ابیات زیر شاعر در تعامل با حدیث نبوی در برخورد با زنان، وضعیت زنان بحرینی را چنین بازگو می‌کند:

«أَیْنُکُمْ یَا مُسْلِمُونَ اسْتَمِعُوا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ بَعْضَ اللَّوْلِیَّاتِ
حَیْنَ أَوْصَى بِالقَوَارِیرِ لَکُمْ فَصَّـرْتُمْ حَائِظاً قَوْلَ الرِّوَاةِ
والقَوَارِیرُ الَّتِیْ أَوْصَى بِهَا هِیَ فِی بَحْرِینَا مُعْتَقِلَاتِ
وَالقَوَارِیرُ الَّتِیْ أَوْصَى بِهَا هِیَ فِی بَحْرِینَا مُنْتَهَکَاتِ
وَالقَوَارِیرُ الَّتِیْ أَوْصَى بِهَا هُنَّ فِی الْأَسْرِ کَمِثْلِ اللَّبَّـاتِ»

(آیات القرمزی، دیوان)

«ای مسلمانان کجائید که سخنان دُرگونی رسول خدا (ص) را بشنوید/ زمانی

که شما را بر نیک‌رفتاری با زنان شیشه‌گون سفارش نمود، شما سخنان ایشان را نادیده گرفتید و بدان بی‌توجهی نمودید/ سفارش شدگان پیامبر(ص) در بحرین به بندکشیده شده‌اند/ آن شیشه‌ها (زنان) در بحرین مورد هتک حرمت قرار گرفته‌اند/ آن شیشه‌هایی که بدان سفارش شده است همچون ماده شیران در اسارت هستند».

شاعر شعر خود را با حدیثی از پیامبر اکرم (ص)؛ «رُؤِیدَکَ سَوَقاً بِالقَوَارِیرِ»

(مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۸: ۲۲) شروع کرده است که در آن حدیث رسول خدا (ص) زنان را به شیشه‌های شکننده‌ای تشبیه نموده است. بدین معنی که، با زنان به گونه‌ای رفتار نمایند که با یک شیشه رفتار می‌نمایند، در حالی که زنان در بحرین به خصوص زنان فعال در معرض انواع آسیب‌ها و شکنجه‌ها قرار گرفته‌اند.



در نمونه‌ی دیگر احمد الدر العالمی در قصیده‌ی خود در تعامل با بخش‌های پایانی نامه‌ی ۳۱ نهج البلاغه، به بیان ظلم علیه ضعیفان (زنان و کودکان) می‌پردازد. شاعر با بینامتنی مضمون، با استفاده از سخن امام علی (ع) در بخش‌های پایانی نامه ۳۱ نهج البلاغه، به این امر اشاره می‌کند که آن حضرت فرموده‌اند: «ظلم الضعیف افحش الظلم» ظلم کردن به ناتوانان، بدترین ستم‌هاست (نهج البلاغه: نامه / ۳۱)، این مضمون در ابیات زیر خود را به وضوح نمایان می‌کند:

«الظُّلْمُ يَجْلِبُ نَقْمَةً وَالْبَغْيُ يَسْلِبُ نِعْمَةً مَهْمَا عَتَوْا وَتَمَرَّدُوا
الظُّلْمُ مِفْتَاحُ الرَّذَائِلِ مِثْلَمَا الْإِثْمَافُ مِفْتَاحُ الْفَضَائِلِ فَارْتَشِدُوا
وَأَشَدُّ أَنْوَاعِ الظُّلْمِ مَوْئِلًا ظَلَمُ الضَّعِيفِ بِهِ الْجَحِيمُ تَوَقَّدُ»

(الدرالعالمی، ۲۰۱۱)

«هر بار که طغیان و سرکشی کنند، ظلم با خود انتقام می‌آورد و فساد نعمت‌ها را به یغما می‌برد/ ظلم کلید پستی‌هاست همان طور که عدالت کلید فضایل است، پس هدایت شوید/ بدترین نوع ظلم، ظلم به ضعیفان است که آتش جهنم را شعله‌ورتر می‌کند».

در کل ظلم در مورد هرکسی که باشد، قبیح و زشت است ولیکن همه جا و نسبت به هر کسی یکسان نیست و گاهی ظلم و تعدی، بسیار قبیح و ناپسند است و وجدان‌های بیدار از آن متنفر و بیزارند، مانند جائی که به انسان ناتوان ظلم گردد و یا ظلم به کسی که توانایی دفاع از خود و قدرت احقاق حق خود را ندارد.

۷- تلفیقی از بینامتنی قرآنی و ادبی

شاعر با استفاده از بینامتنی شعر ابوالقاسم شابی، شاعر برجسته‌ی تونسسی: «إِذَا الشَّعْبُ يَوْمًا أَرَادَ الْحَيَاةَ / فَلَا بُدَّ أَنْ يَسْتَجِيبَ الْقَدْرَ» با اندکی تغییر خواهان دستیابی به عزت و کرامت اسلامی است:



«إِذَا الشُّعُوبُ أَرَادَتْ نَيْلَ عِزَّتِهَا سَيَسْتَجِيبُ لَهَا التَّارِيخُ وَالْقَدَرُ
 لَا شَيْءَ يَشْفِي غَلِيلَ النَّاسِ فِي زَمَنٍ بِهِ الْقُلُوبُ مِنَ الْأَلَامِ تُعْتَصِرُ
 إِلَّا سُقُوطَ الطُّغَاةِ الْيَوْمَ فِي سَقَرٍ مِنَ الْقِلَاعِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ»

(التنان، ۲۰۱۱)

«اگر ملت خواهان رسیدن به عزت خود باشد، تاریخ و قضا و قدر تسلیم آن‌ها خواهد شد و خواسته‌ی آن‌ها را اجابت خواهد کرد/ هیچ چیزی بغض و انتقام مردم را در عصری که قلب‌هایشان از شدت درد به هم فشرده می‌شود، نمی‌تواند شفا دهد/ مگر سقوط طاغوتیان امروز، همراه با کاخ‌هایشان در جهنم (سقر) و تو چه می‌دانی سقر چیست؟».

شابی می‌گوید: هرکه آزادی و زندگی حقیقی می‌خواهد، باید به اراده‌ی الهی پاسخ مثبت دهد و اراده‌ی الهی این است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» «رعد/۱۱» «خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند». پس باید قید و بند بردگی و عبودیت را بشکنند: و لا بُدَّ لِلْقَيْدِ أَنْ يَنْكَسِرَ؛ اما در متن حاضر شاعر بحرینی اراده‌ی عزت نموده است؛ احیای عزت و کرامت انسانی در سایه‌ی اسلام. باید طاغوتی که انسان را به بندگی می‌کشد، در جهنم (سقر) سقوط کند: «وَمَا أَدْرِيكُمْ سَقَرٌ». (مدثر/ ۲۷) او خواهان سقوط طاغوتیان در بدترین و ژرف‌ترین طبقات جهنم به نام «سقر» است، نه فقط شکستن قید و بند و بردگی بلکه سقوط جسم به همراه روح؛ چراکه «شراره سقر از دوزخیان هیچ باقی نگذارد و همه را بسوزاند و همه را شامل می‌شود، برخلاف آتش دنیا که گاهی بعضی از چیزهایی را که در آن می‌افتد، نمی‌سوزاند و اگر مثلاً انسانی در آن بیفتد پوست ظاهری و صفات جسمیش را

می‌سوزاند و به روح او و صفات روحیش نمی‌رسد، اما سقر احدی از کسانی که در آن می‌افتند، باقی نمی‌گذارد بلکه همه را فرا می‌گیرد». (مکارم شیرازی، ج: ۲۵: ۲۰۳)

نتیجه

با بررسی روابط بینامتنی اشعار شاعران شیعی بحرین از قبیل عبدالله القرمزی، آیات القرمزی، مجتبی التتان و شیخ احمد الدر العاملی، درمی‌یابیم که تناسباتی به کار رفته در اشعار این شاعران در حوزه قرآنی، روایتی ادبی و تاریخی است که هر یک شامل بینامتنی لفظی، مضمون، عنوان و شخصیت می‌باشد. شاعران در بخش قرآنی بیشتر از تناسبات لفظی و علم (شخصیت‌های منفی و مثبت قرآنی) استفاده نموده‌اند و در بخش روایتی از احادیث نبوی و نهج البلاغه بهره برده‌اند. در تناسبات ادبی با سروده‌ی مشهور و انقلابی ابوالقاسم شابی و در تاریخی با واقعه‌ی خونین عاشورا تعامل ایجاد کرده‌اند. بیشترین گونه ارتباطی این شاعران با متون غایب از نوع تناسبات متوازی و نفی جزئی و گاهی هم نفی حواری است؛ یعنی کارکرد بینامتنی در اشعارشان با کمترین تغییر صورت گرفته است و در این تعامل از شکل سطحی روابط بینامتنی بهره برده‌اند. این شاعران می‌خواهند با عملیات بینامتنی، یک مقایسه در زمانی انجام دهند تا اوضاع و شرایط نابسامان حاکم را نشان دهند.

پی‌نوشت

آیات حسن محمدالقرمزی (۱۹۹۱م) دانشجوی دانشکده تربیت معلم بحرین و از جوانان جنبش ۱۴ فوریه است.

آیات در اعتراضات مردمی برضد رژیم بحرین در میدان لولو حضور پیدا کرد و در ۲۳ فوریه ۲۰۱۱ (۴ اسفند ۱۳۹۰) قصیده‌ای علیه

پادشاه بحرین سرود.





به علت همین شعر اعتراضی، توسط مأموران حکومت بازداشت شد و سپس پس از ۱۰۰ روز شکنجه‌ی جسمی و روحی در روز چهارشنبه ۲۲ تیر ۱۳۸۹ به شکل مشروط از زندان آزاد شد (همان). به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از خبرگزاری عراقی «ابا»، آیات القرمزی به یکی از نمادهای انقلاب مردم این کشور تبدیل شده و برنده جایزه بین‌المللی دفاع از آزادی در کشورش شده است (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۰).

عبدالله حسن القرمزی (۱۹۷۷م) برادر آیات القرمزی، شاعر و مبارز مطرح بحرینی است. وی در دیوان «أحلام الصدف» به انقلاب و شهدای بحرین پرداخته است. همچنین اشعار او در هیأت‌های عزاداری حضرت سیدالشهدا(ع) توسط مداحان خوانده می‌شود (موقع شعراء اهل البيت).

زکی ابن السید مهدی ابن السید شهید الیاسری (۱۹۷۹م) در نجف اشرف متولد شده است. وی در اواخر سال ۱۹۹۶ به دلیل ستم‌های رژیم بعث به آلمان مهاجرت می‌کند. او از جمله شاعران توانمند مکتب امام حسین (ع) و همچنین از حامیان انقلاب و ادبیات پایداری بحرین به شمار می‌آید. این شاعر، دیوان «نزيف الصمود» خود را درباره‌ی انقلاب بحرین و حمایت از آن سروده است. از دیگر آثار وی می‌توان به دیوان‌های «ومضات الغربة»، «المنصة الیاسریة»، «الأفراح النبویة»، و «اللطمیات النبویة» اشاره کرد (موقع الشاعر الحسینی السید زکی الیاسری النجفی):

<https://sites.google.com/site/zekialyasery/biografie>

مجتبی عبدالمحسن علی التتان (۱۹۸۳م) شاعر، رمان‌نویس و روزنامه‌نگار نامدار بحرین است. این شاعر انقلابی بحرین در وصف شهدا و روحیه انقلابی مسلمانان بحرین قصیده‌ای با عنوان «تورة المليار» سروده است (موقع شعراء اهل البيت).

الشیخ احمد الدر العاملی (۱۹۷۷م). در لبنان زاده شد. وی جهت تکمیل تحصیلات خود وارد یکی از مراکز علمی به نام کانون هنرهای اسلامی در بیروت شد. سپس برای ادامه تحصیلات حوزوی به ایران سفر کرد. پس از طی مراحل تحصیلات حوزوی در محضر شیخ وحید خراسانی ملبس به لباس روحانی شد (موقع الشاعرالشیخ احمد الدر العاملی):

<http://www.imshiaa.com/vb/showthread.php?t=۱۴۶۲۳۸>

- ❖ قرآن کریم.
- ❖ امام علی (ع): نهج البلاغه (۱۳۷۸). ترجمه: محمد دشتی، انتشارات جمال، چاپ پنجم.
- ❖ الجعافرة، محمد (۲۰۰۳م). «التناص و التلقى»، الأردن: دارالکندی، ط ۱
- ❖ حاتمی، حسین، پروین زمانی، محمدرضا بیگی و یوریا اسمعیلی (۱۳۸۸). «نگاهی تاریخی به مضامین و اسلوب‌های شعر شیعی در ادب اندلس»، دو فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، سال ششم، شماره اول، ص ۷۱-۹۹
- ❖ حلبی، أحمد طعمة. التناص بین النظرية و التطبيق: شعر البياتي نموذجاً، دمشق، وزارة الثقافة، دون رقم الطبع.
- ❖ روحانی، حمید، (بی تا). نهضت امام خمینی (ره)، جلد ۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ❖ سیاحی، صادق (۱۳۸۲). الادب الملتزم بحب اهل بیت (ع)، تهران، سمت.
- ❖ علوی مقدم، مهیار (۱۳۸۳). «شاعر متعهد کیست و شعر متعهد چیست»، فصلنامه دانشگاه آزاد مشهد، شماره ۴ و ۳، ص ۱۹-۶
- ❖ قائمی، مرتضی (۱۳۸۷)، «بینامتنی دیوان ابوالعناهیة با نهج البلاغه»، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عرب، شماره ۴، صص ۱۵۴-۱۷۲
- ❖ کریستوا، ژولیا (۱۳۸۱). کلام، مکالمه، و رمان، پیام یزدانجو، به سوی پسامدرن، تهران، مرکز.
- ❖ گراهام، آلن (۱۳۸۰)، «بینامتنیت»، ترجمه: پیام یزدانجو، تهران، نشر مرکز.
- ❖ مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). بحار الأنوار، جلد ۵۸، بیروت، مؤسسة الوفاء
- ❖ مختاری، قاسم، ابراهیم ابراهیمی (۱۳۹۲). «بینامتنیت قرآنی و روایی در شعر دعبیل خزاعی»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی - قرآنی، سال اول، شماره اول، ص ۵۳
- ❖ مکارم شیرازی، ناصر، جمعی از نویسندگان (۱۳۶۲). تفسیر نمونه، چاپ ۲۵، دارالکتب الاسلامیة، تهران

- ❖ میرزایی، فرامرز، ماشاءالله، واحدی (۱۳۸۸). «روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۲۵، ص ۳۰۰ - ۳۲۲
- ❖ وعداالله، لیدیا (۲۰۰۵). التناص المعرفی فی شعر عزالدین المناصره، دارالمنذولای، چاپ اول.
- ❖ الهاشمی، احمد (۱۳۷۸). جواهر البلاغة، ترجمه: حسن عرفان، قم، چاپ نهم.

منابع اینترنتی:

- ❖ آیات القرمزی لؤلؤ عفاف و مبارزه (۱۳۹۰، ۲۴ تیر). خبرگزاری اهل بیت (ع) - ابنا.
<http://www.abna.ir/data.asp?lang=۱&Id=۲۵۳۶۲۳>
- ❖ آیات القرمزی برنده جایزه جهانی «نیل به آزادی» (۱۳۹۰، ۱۲ آذر)، خبرگزاری فارس
<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۰۰۹۱۲۰۰۵۴۸>
- ❖ ثورة المليار (۳ مارس ۲۰۱۱). صحيفة الوسط البحرينية، العدد ۳۱۰۰
<http://www.alwasatnews.com/۳۱۰۰/news/read/۵۳۰۱۶۹/۱.html>
- ❖ رحمانی، صادق (۱۳۷۵). شعر و شرع و شیعه، نشریه پاسدار اسلام، شماره ۱۷۶
<http://www.ensani.ir/fa/content/۱۳۷۴۷۱/default.aspx>
- ❖ شعراء ثورة البحرين: <http://www.shuarabahrain.net.ms>
- ❖ موقع الشاعر الحسيني السيد زكي الياسري النجفي:
<https://sites.google.com/site/zekialyasery/biografie>
- ❖ منتديات أنا شيعي العالمية (۲۰۱۲). حياة الشيخ احمد الدر العاملي
<http://www.imshiaa.com/vb/showthread.php?t=۱۴۶۲۳۸>
- ❖ الموسوعة الشعرية لشعر و شعراء اهل البيت (عليه السلام):
<http://www.shoaraa.com/show-۵۱.html>





دو فصلنامه ادبیات شیعه

بازتاب حماسه و
جریان غدیر در شعر
شاعر مسیحی ...